

متن سخنرانی حضرت آیت‌اله جناب آقای غلامرضا رضوانی

عضو محترم شورای نگهبان

اعوذ بالله من الشيطان اللعين الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين وصل الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين المعصومين

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، الحمد لله الرحمن الرحيم - يا ايها الذين امنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربا فان تبتم ولكم رروس اموالكم لاتظلمون و لاتظلمون

قرآن با این صوت بلند ربا را منع و حرب با خدا را هم به آن تشدید کرده است . متأسفانه، ملل اسلامی هیچ توجهی به این مطلب نداشته‌اند که موسسات و بانکهای عظیم در کشورهای اسلامی نباید روزانه این قدر مرتکب این معصیت عظیم شوند . بحمداله نظام جمهوری اسلامی ایران توانست به کمک خداوند این معضل را حل کند و به حسب قانون و دستورالعمل‌ها و آییننامه‌ها، مساله ربا از صفحه کشور اسلامی ایران برداشته شود .

با استنباط از این آیه شریفه، اصل ربا ظلم است، مقدار کم یا زیاد آنهم مطرح نیست ربا از نظر قرآن ظلم است . اگر توبه کردید، راس المال سرمایه اولیه مال شما، به هر چه اضافه است آن را برگردانید تا نه مرتکب ظلمی شده باشید و نه ظلمی به شما شده باشد، اصل سرمایه تان برگشته، به کسی هم اجحاف نکرده‌اید . سر اینکه ربا ظلم است، به علت آن است که هزینه تولید مترتب بر آن است . جناب آقای دکتر نمازی، در صحبتشان، اشاره کردند که در نرخ بهره اشکال وجود دارد . من می‌خواهم بگویم که اشکال در اصل بهره است . چنانچه بهره سرمایه از سود تامین شده و باری بر سرمایه باشد، قهراً یک دستگاه تولیدی که شخص تاسیس می‌کند و قرضی

نمی‌گیرد، مقدار سرمایه‌ای را می‌خواهد که اگر مشابهش را شخص دیگری با قرض گرفت، سرمایه‌ای بیش از این لازم دارد. سرمایه برای این موسسه اقتصادی، در شرایط متساوی، دوجور می‌شود. در نظام صحیح اقتصادی، سهمی از سود مال سرمایه‌هاست که نمی‌شود آن را ندیده‌گرفت. قهراً باید سهم سرمایه را ملاحظه کرد. دیگر اینکه، برای سرمایه سهمی هست. آنجایی که این هزینه بیشتر شده، سرمایه زیادتر شده‌است، باید به آن اضافه کرد. پس در تولید دو نرخ پیدا می‌شود. اگر دولت بخواهد صحیح عمل کند، باید دو نرخ بشود. یعنی، آنجا که این موسسه تاسیس شده و قرض نگرفته، مواد تولیدی و کالاهای تولیدی‌اش باید ارزاتر باشد از آنی که قرض گرفته‌است. اگر قرار باشد که عدالت صورت گیرد، باید اینطور باشد که در این صورت می‌شود دو نرخ. در صورت دو نرخ شدن، مصیبت عظیم دیگری را در کشور باعث خواهد شد که بازار مسلمین را به هم می‌ریزد. چنانچه بنا شود کالا در شرایط متساوی، دو نرخ باشد، نظام بازار به هم می‌ریزد. پس باید این اصل را حفظ کنند. با حفظ اصل وحدت قیمت، یعنی تک نرخ بودن کالا، قهراً به کسی که وام گرفته، اجحاف می‌شود. به همین دلیل، ربا ظلم است. برعکس، اگر سرمایه‌گذار در سود شریک شود، مقدار متناسبی از سود نصیبش می‌گردد، چون تقسیم به نسبت می‌شود و تقسیم به نسبت هم ظلم نیست. پس اصل ربا در جایی که برای سرمایه‌گذاری و تولید باشد، به این نحو ظلم است. چه رسد به اینکه بخواهد برای موارد ضروری، معیشتی قرض کند. اگر فردی که برای درمان قرض می‌گیرد، با مساله ربا مواجه شود، معنایش اینست که مثلاً دارو را باید گرانتر از آنی تهیه کند که سرمایه دارد. سرمایه‌دار با قیمت ارزاتری تهیه می‌کند و این شخصی که ندارد، با قیمت گرانتر که خود این ظلم است. بنابر این حکمت، ربا در اسلام ممنوع شده‌است. البته شاید دلایل دیگری هم برای آن باشد که ما نمی‌خواهیم آنها را نفی کنیم. و اما اینکه فرمودند نظام بانکی ما اکنون براموال مردم مبتنی است، یعنی این که سپرده‌ها، سپرده‌هایی است که به خود مردم تعلق دارد، پس هیچ فرقی بین این پولی که در بانک گذاشته و پولی که در صندوق مغازه است گذاشته، نیست. هر دو مال اوست. دولت اگر بخواهد در اموال مردم تصرف کند، به نحوی که بخواهد از صندوق مردم بردارد، باید ملاحظه کند و ببیند که این کار در چه شرایطی باید صورت گیرد. یعنی ببیند که آیا مجاز به این کار هست. آیا می‌تواند ملک مردم را بگیرد یا مثلاً صندوق مغازه شخصی را باز کرده و نصف پول او را بردارد؟ اگر با توجه به مصلحت عامه، چنان شرایطی اقتضا کند، حق دارد. ولی به هر حال، باید ضرورت کامل برای آن کار ایجاد کند. به عبارتی: "اکل میته". تا این ضرورت نیست، دولت حق ندارد در املاک خصوصی مردم تصرف کند. منجمله، همین سپرده‌های بانکی.

تصویب این موارد برای شورای نگهبان هم چه نسبت به استقراض و چه نسبت به تکالیفی که در تبصره بودجه می‌شد، دشوار بود. تایید چنین مواردی با تائید مقامات دست‌اندرکار بستگی

داشت. به شورای نگهبان هم قول می‌دادند درصدد هستند تا در سالهای بعد تا جایی که می‌توانند از شدت مشکلات بکاهند و باید دولت تا آن اندازه‌ای که می‌تواند، از راههای دیگر مشکلتش را حل کند. اگر حل مشکل از راههای دیگر میسر نشد، در آن صورت تا حد ضرورت می‌توانید هم از راه استقراض (که آنهم نوعی تصرف در پول مردم است) و هم از راه تکلیفات که از استقراض آسانتر است، عمل کند. به این دلیل که آن مقداری که طبق قوانین بانکی باید به سپرده‌گذار داده‌شود، آن را کم بکند. دولت متعهد می‌شود که آن مقدار را پرداخت کند که اگر واقعاً به تعهدش عمل کند، هیچ فرقی نخواهد کرد یعنی آیا این فعالیت اقتصادی بانک در زمینه بخش خصوصی باشد یا در زمینه‌ای که تبصره یا تکلیفات بانکی تعیین می‌کند. اما، چون در اینجا باز هم به این مسأله منجر می‌شود که بدهی دولت به بانک اضافه گردد و چیز دیگری نیست، پس باز هم نمی‌توان گفت که همین طور می‌تواند تصرف کند. باز بایستی که در حد ضرورت باشد.

وصلی الله علی محمد و آله